

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۱۰M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

بررسی وضعیت حقوقی استفاده از موشکهای بالستیک توسط ایران و انطباق آن با مقررات بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵)

محمد جواد جدیدیان^۱
دکتر افسانه مرادزاده رامی

چکیده

بر اساس مولفه های قدرت، توان موشکی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل بازدارنده تهاجم نظامی قرار دارد از این رو دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف راهبردی، مبتنی بر دو اصل مهم: «تولید ابزار قدرت» برای بازدارندگی و «دفاع موثر» است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران پیوسته از سوی نیروهای فرامنطقه ای و منطقه ای تهدید شده است و این تهدیدها نه فقط کاسته نشده بلکه افزونتر و متنوع تر شده است. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دکترین دفاعی خود پروژه های موثری را متناسب با تهدیدات طراحی و اجرا کرده است. از منظر حقوق بین الملل قدم اصلی در زمینه محدودیت وارده بر تسلیحات متعارف با انعقاد کنوانسیون برخی سلاح های متعارف ۱۹۸۰ و پروتکل های الحاقی به آن برداشته شد.

واژگان کلیدی: موشک بالستیک، سیاست دفاعی، حقوق بین الملل، کنوانسیون سلاح های

متعارف، حقوق بین الملل

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

ایران از دوران جنگ با عراق، علاقه مندی خاصی به تولید، تحقیق و توسعه در زمینه طیف وسیعی از موشک های بالستیک و توانایی پرتاب آنها به فضا پیدا کرده است. این علاقه مندی که در آغاز ناشی از یک آسیب پذیری و خلاء دفاعی بود کم کم ابعاد گوناگونی یافت. توانمندی نظامی و دفاعی کشور، بدون شک یکی از مهم ترین محورهای راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات است. بر اساس مولفه های قدرت، توان موشکی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل بازدارنده تهاجم نظامی قرار دارد از این رو دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف راهبردی، مبتنی بر دو اصل مهم: «تولید ابزار قدرت» برای بازدارندگی و «دفاع موثر» است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران پیوسته از سوی نیروهای فرامنطقه ای و منطقه ای تهدید شده است و این تهدیدها نه فقط کاسته نشده بلکه افزونتر و متنوع تر شده است. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دکترین دفاعی خود پروژه های موثری را متناسب با تهدیدات طراحی و اجرا کرده است.

بند اول: تاریخچه شکل گیری بازدارندگی

کنترل رفتار دیگری امری جدید نبوده است بلکه پدیده ای کاملاً طبیعی بوده که همواره در طول تاریخ وجود داشته است و این امر فقط مختص به انسانها نیست بلکه در بین حیوانات هم وجود داشته است. برای نمونه چشمان جغد پرنندگان دیگر را به سمت این نکته ترغیب می کند که فاصله خود را با جغد حفظ کنند. و نیز پروانه ملکه برای دوام بازدارندگی بعضی ها را قربانی می کند و یا وقتی دو عنکبوت به هم می رسند رفتارهای موجی بالهای آنها سبب می شود که قلمرو هر کدام توسط دیگری مشخص شود. همان گونه که در این مثال ها نشان داده شده رفتارهای بازدارنده در حیوانات هم وجود دارد. با این توضیحات می توان بازدارندگی را تلاش جدی برای کنترل رفتار دیگری از طریق تهدید دانست. در طول تاریخ این امر در شکل گیری اساطیر نقش کلیدی داشته است. در بسیاری از اسطوره ها شاهد تلاش خدایان و قوانین اسطوره ای برای کنترل رفتار دیگری جهت جلوگیری از برهم خوردن نظم جهانی و اجرای

عدالت هستیم که در نهایت منجر به شکل گیری نظام کیفر دهی شد. به هر روی بازدارندگی تأثیری است که بر اراده‌ی اشخاص اعمال می‌شود و این عامل تأثیرگذار، گاه خود عمل مجازات و گاه تصوّر آن است، تصویری که با انتظار وقوع یک شر مشابه می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۶: ۲۳). در همین راستا «بال» می‌نویسد: «بازدارندگی معمولاً به تأثیری پیشگیرنده که در نتیجه تحمیل مجازات بر مجرمان بالفعل موجب هراس آنان و مجرمان بالقوه می‌شود، اطلاق می‌گردد» (غلامی، ۱۳۸۲: ۹۰). ماهیت نظریه بازدارندگی‌گیرنده‌ای بس کهن در اندیشه فلاسفه یونان-هم چون سقراط و افلاطون- دارد و برآمده از تفکرات اندیشمندانی نظیر فویر باخ، بکاریا و به ویژه بنتام است، هرچند که در طول تاریخ متفکران و حقوقدانان دیگری مانند ژان مبیون، توماس هابز، جان لاک، دما، فیلانثیری نیز کم‌وبیش به بحث بازدارندگی توجه نشان داده‌اند (ر.ک، پرادل، ۲۷: ۱۳۸۱). فلاسفه‌ای مانند هابز، لاک و روسو مبنای کیفر را قرار داد اجتماعی می‌دانند که فرد با نقض آن به دولت اجازه می‌دهد وی را مجازات نماید و این مجازات دارای چهار اصل بنیادین است:

۱. مجازات به عنوان عامل تلافی (سزادهی)
۲. مجازات به عنوان عامل بازدارنده (بازدارندگی)
۳. مجازات به عنوان راه حمایت از جامعه (توان‌گیری)
۴. مجازات به عنوان راه اصلاح شخص مجازات شده (بازپروری)

اما به هر حال توگد نظریه مزبور در قالبی تکامل یافته را باید از تراوشات ذهن روشن این فلاسفه و به‌طور خاص «جرمی بنتام» انگلیسی دانست. بنتام یکی از متفکرینی است که برای اولین بار مفهوم بازدارندگی را در قرن ۱۸ مطرح کرد. او باور داشت که مجازات و جرمه باید با هم تناسب داشته باشد و ابراز داشت که اگر مجازات کاملاً مشخص و روشن و پیش‌بینی پذیر باشد، این خود باعث موفقیت در رفتارها و باورهای بازدارنده می‌شود. فرضیه او این بود که مجرمین همانند هر فرد دیگری عاقل و منافع‌محور هستند و اگر سود احتمالی جرم کم‌تر از هزینه مجازات باشد آن را مرتکب نمی‌شوند. جرمی بنتام از واژه «بازدارنده» نام می‌برد که این



لغت در فرهنگ آکسفورد به معنی عمل بازدارنده و موقعیت بازدارنده است. این نظریه که در لوای مکتب کلاسیک پدید آمده و بنابراین اعتقادی راسخ به وجود آزادی اراده در افراد داشته و حکمرانی عقل و منطق و حسابگری را بر آدیان می‌پذیرد، مجرمان را برخوردار از کمال مسئولیت قلمداد می‌نماید و کیفر را بر بنیاد تهدید استوار می‌سازد، به طوری که فویر باخ می‌گوید: «هر گاه کسی به رغم تهدید، مرتکب جرمی شد باید کیفر ببیند زیرا مجرم پیش از ارتکاب جرم از آن آگاه بوده است» (شیری، ۱۳۸۵: ۱۵۸) بنابراین، در این دیدگاه تهدید به مجازات یک واقعیت درک شدنی و لمس‌پذیر است. (تبیست، ۱۳۸۴: ۱۶۰) از طرفی در این رویکرد، جامعه حق تنبیه مجرمان را داراست، زیرا مجازات برای دفاع از نظم اجتماعی سودمند و ضروری است (لازرز، ۱۳۸۲: ۴۷)

بخش دوم: بررسی و شناخت سیاست بالستیک^۱

فن آوری نظامی از عوامل تاثیرگذار بر روابط بین الملل و بالطبع استراتژی کشورها است به گونه ای که امروزه گاه از آن به عنوان «رهبری استراتژی» یاد می‌شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که جنگ افزارهای مدرن حاصل از تحول، ابتکار، پیشرفت در فن آوری ها، شدت و گستره و بافت منازعات را دگرگون کرده اند. از جمله جنگ افزارهایی که به ویژه در دهه اخیر، ورود آنها به زرادخانه های نظامی، استراتژی های نظامی و بالطبع منازعات را متاثر ساخته، موشک های بالستیک هستند. این تسلیحات که با تعبیراتی چون «سلاح وحشت»، «نیروی هوایی فقرا» و یا «سیاست بالستیک» از آنها یاد می‌شود، بیش از پیش مورد توجه کشورهای جهان سوم واقع شده اند. تا دهه ۱۹۸۰ میلادی جلوگیری از تکثیر سلاح های هسته ای، عمده ترین موضوع در دستور کار قدرتهای بزرگ در زمینه کنترل تسلیحات بود. اما از اواسط دهه، توجهات بین المللی به دستیابی کشورهای جهان سوم به سیستم های پرتاب جنگ افزارهای انهدام جمعی جلب شد و نگرانی هایی در مورد گسترش سیستم ها و فن آوری های موشک بالستیک به مناطق متشنج و بحران خیزی چون خاورمیانه ایجاد گردید. تصور بر این است که موشک های بالستیک در جهان سوم، می تواند قابلیت مبادرت به حملات هسته ای و

شیمیایی علیه رقبای سنتی و یا دفاع در مقابل نیروهای مداخله گر غربی را برای این کشورها فراهم کند. از این رو می توان گفت که موشک های بالستیک به موضوعی استراتژیک برای جامعه بین المللی مبدل شده اند و منطقه خاورمیانه با توجه به تجربه ای که در خرید، تولید و به کارگیری این موشک ها وجود دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. برای کشورهایی که از نیروهای متعارف قدرتمندی برخوردار نیستند، موشک های بالستیک نقش مهمی برای ثبات ظاهری وضع استراتژیک موجود ارایه می کنند. همچنین برای آن گروه از دولت ها که فاقد منابع فن آورانه لازم هستند، یک برنامه موشکی می تواند نمادی حیاتی برای رقابت تکنولوژیک باشد. به هر حال موشک های بالستیک هم دارای جنبه های عملی و هم نمادین هستند و نمی توان بیش از اندازه بر جنبه های نمادین آن تاکید داشت. واقعیت آن است که ویژگی هایی چون نفوذ آسان به فضای دشمن، خصلت بازدارندگی، کم اهمیت کردن فاصله ها و عمق استراتژیک سرزمین ها، قدرت مجازات بدون نیاز به درگیر شدن در یک جنگ تمام عیار و بالاخره از همه مهم تر، مکمل بودن برای سلاح های انهدام و کشتار جمعی آنها را به سلاحی مورد توجه کشورها مبدل کرده است و کشورهای منطقه خاورمیانه نیز با علاقه به سمت دستیابی به آن حرکت کرده اند.

بخش سوم: بازدارندگی متعارف: موشک های بالستیک در خاورمیانه

گسترش موشک های بالستیک به خاطر ویژگی های آن از قبیل سرعت، دقت، آسیب ناپذیری دفاعی، قابلیت عمل کلاهک کشتار جمعی و نفوذ آسان به درون مرزها و ... پیامدهای امنیتی و استراتژیکی خاصی برای منطقه خاورمیانه داشته است. شاید بتوان مهم ترین پیامد استراتژیک گسترش موشک های بالستیک در منطقه، ایجاد و یا افزایش تعامل میان دو منطقه فرعی خاورمیانه، یعنی بخش عرب - اسرائیل (جبهه فلسطین) و بخش خلیج فارس دانست. همانگونه که گفته شد یکی از ویژگی های اصلی موشک بالستیک، خصلت بازدارنده آن است. هنگامی که چینی ها به این موشک دست یافتند، هندی ها برای ایجاد بازدارندگی به دنبال آن رفتند و پس از آنها پاکستانی ها نیز دست به این کار زدند. در منطقه خاورمیانه نیز اولین کشوری که در صدد تامین موشک های مذکور برآمد رژیم اشغالگر قدس بود.



کشورهای سوریه، عراق و مصر نیز برای ایجاد بازدارندگی درصدد دستیابی به آن برآمدند. پس از حملات موشکی عراق علیه مراکز غیر نظامی ایران، این کشور نیز بر اساس سیاست «مقابله به مثل» مجبور شد که تمهیدات لازم را به عمل آورد. به طور طبیعی این بازدارندگی می تواند به طرف رقبای برون منطقه ای و یا دخالت قدرت های بزرگ جهت گیری شود. (کریمی، ۱۳۷۵: ۵۴) در مجموع می توان نتیجه گرفت با توجه به خطرات متعدد امنیتی در منطقه خاورمیانه از جانب همسایگان، رژیم صهیونیستی و غرب به ویژه امریکا، موشک ها می توانند از نظر بازدارندگی برای کشورهای منطقه نقش موثری را بازی کنند. با تجهیز به آنها می توان بر رفتار و گزینه های استراتژیک تاثیر گذارد و دشمن را به تلافی تهدید نمود. موشک ها می توانند برای تکمیل دفاع و بازدارندگی از طریق انکار و تلافی به کار روند. بنابراین کشورهای منطقه در دکترین نظامی و دفاعی خود با توسعه سلاح های موشکی می توانند ابزار بیشتری برای تلافی بدست آورند و به ویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کنند. این مساله در مورد کشوری مانند ایران از نظر دسترسی به فناوری های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیت های بسیاری رو به رو است و در عین حال از سوی دشمنی پر توان تر تهدید می شوند و با توجه به فشار برای آمادگی در برابر یک رویارویی احتمالی، یک اولویت راهبردی تلقی می شود. زیرا در شرایط موجود، موشک ها واجد امتیازاتی هستند که به سبب آنها کشور دارنده می تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه تر به قابلیت بازدارندگی بهتری دست یابد. از این رو در فصل آینده به طور مفصل به این مسئله پرداخته خواهد شد.

بخش چهارم: بررسی نقش بازدارندگی متعارف در غیاب بازدارندگی هسته ای در دکترین دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران

واقعیت آن است که قدرتهای برتر جهان مهمترین ابزار بازدارندگی نظامی ایران که همان هسته ای شدن است را در قالب رژیم های مختلف از جمله برجام که خود تدوین کرده اند از ایران گرفته اند. از طرف دیگر ایرانیان که در طول تاریخ خود از همه جوانب مورد تهدید و تجاوز برخی همسایگان و قدرتها بوده اند نمی توانند دست روی گذاشته و نظاره گر نابودی خود باشند و لذا به هر طریقی باید دنبال راهکار موثر برای بازداشتن دشمنان از تهدید و

تجاوز به خود باشند. در رویکرد ایده آلیستی با خوشبین بودن به طبع بشر معتقدند که جنگ برخاسته از شرایط زمانی و مکانی موجود در هر دوره است و با حذف یا بهبود آن شرایط می توان جنگ را از صحنه زندگی بشر دور کرد. بدین ترتیب ایده آلیست ها «خلع سلاح» را مهم ترین عامل بازدارنده جنگ می دانند. از نگاه آرمانگرایانه سلاح های هسته ای در بحث بازدارندگی در دکترین امنیت و دفاع ملی ایران جایگاهی ندارد و این عده در توجیه نظرات خود معتقدند بسیاری از کشورهای پیشرفته مثل ژاپن و ... علی رغم داشتن توانایی فنی و اقتصادی و روابط حسنه با قدرتهای بزرگ از گزینه سلاح های هسته ای چشم پوشی کرده اند و به مراحل بالای پیشرفت و توسعه نایل شده اند. این کشورها منافع خود را طوری تعریف کرده اند که در راستای منافع قدرتهای بزرگ و نظام بین الملل بوده و امنیت آنها مساوی امنیت ملی قدرتهای بزرگ می باشد. اما رئالیستها بشر را موجودی شرور دانسته و جنگ را یک پدیده متداول در روابط بین الملل می دانند و معتقدند که با توسل به طرق مختلف از جمله توازن قوا، توازن تهدید، دفاع و تهاجم و ... می توان از شدت جنگ کاست اما نمی توان آن را حذف کرد. واقع گرایان معتقدند از آنجا که در نظام بین الملل آنارشی حاکم است لذا امنیت بعنوان مهمترین دغدغه کشورها است چرا که هیچ مقامی خود را متعهد به حفظ آن نمی داند اینجاست که «خودیاری» ضرورت می یابد. از این رو دولتها در نظام بین الملل بایستی به دنبال دو موضوع باشند:

(۱) خلق فرصت و کسب امتیاز بیشتر

(۲) افزایش قدرت و توانمندی دفاعی، نظامی و امنیتی.

انسجام و قدرت درونی هر کشور زمینه ساز افزایش قدرت بین المللی و در نتیجه کاهش خطر نظام بین الملل است.

با این نگاه جمهوری اسلامی ایران در غیاب بازدارندگی هسته ای در صورت کاستن از نقاط ضعف در داخل و مقابله صحیح و خردمندانه با تهدیدات بین المللی و استفاده از فرصتهای پیش آمده می تواند بازدارندگی موثر کسب نموده و امنیت خود را ارتقاء دهد و یا برعکس



بواسطه عدم کارایی لازم در این حوزه امنیت خود را به مخاطره اندازد. (عسگرخانی، ۱۳۸۸) در ادامه با رویکردی واقع گرایانه نظری خواهیم انداخت به برخی ضرورت‌های بازدارندگی ایران و جایگزینی بازدارندگی هسته ای و اینکه چرا جمهوری اسلامی باید نگران وضعیت امنیتی خود باشد؟ مجموعه ای از عوامل موقعیت راهبردی و امنیتی ویژه و منحصر به فردی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند که عبارتند از:

نوع جهان بینی و گفتمان انقلاب اسلامی، فرهنگ، جغرافیای سیاسی، تاریخ ایران، تجربه ۸ سال دفاع مقدس، نداشتن متحد استراتژیک طبیعی، تنوع دشمنان و رقبای منطقه ای و بین المللی و ... مجموع عوامل فوق به ایرانیان آموخته است که در دکترین دفاعی خود منطقه ای و جهانی بیندیشند و رویکرد «خوداتکایی» را بعنوان راهبرد ملی بازدارندگی خود برگزینند. (مولایی، ۱۳۷۶) در دنیای مدرن کنونی سه روش بازدارندگی اصلی وجود دارد:

۱) بازدارندگی هسته ای

۲) کنترل تسلیحات

۳) خلع سلاح

در این بین خلع سلاح یک روش ایده آلی برای امنیت بشر است اما به دلایل روشن غیر ممکن است. و اما دو روش دیگر لازم و ملزوم یکدیگرند. بازدارندگی هسته ای را که دشمنان از ما گرفته‌اند و ما ناچار هستیم جهت حفظ امنیت حال و آینده به اصل «خودیاری» پناه برده و قواعد رژیم امنیتی خود را خودمان بنویسیم و تا حد ممکن از تمام فرصت‌های کنونی و آینده (همچنان که قبلا در بحث آزمایش اتمی پاکستان و هند فرصت داشتیم و استفاده نکردیم) استفاده کرده و در کنار سایر بازدارندگی‌ها حتی الامکان وارد بازدارندگی هسته ای شویم و پیوستن به رژیم‌ها را به بعد از دستیابی به بازدارندگی هسته ای بسپاریم. همچنان که مجلس سنای آمریکا با وجود کسب منافع بی شمار تصویب Ctbt را خلاف منافع و امنیت خود می‌داند. (ساعد، ۱۳۸۱) در بعد منطقه ای هم با وجود تهدیدات مستمر و بالقوه دشمنان ضروری

است راهبرد دفاعی «برون مرزی» ایران تقویت شده و با اتخاذ بازدارندگی مثلی و شبکه ای غیر مستقیم همانگونه که در سوریه و عراق اتفاق افتاد قدرت بازدارندگی ایران را تقویت کرد. در مجموع با توجه به نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدهای موجود، جمهوری اسلامی ایران برای مقابله و کم اثر کردن اثرات منفی غرب در موضوع بازدارندگی بخصوص بعد از برجام می تواند راهبردهای زیر را مد نظر قرار دهد:

- ۱- تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و رعایت الزامات کامل آن
- ۲- تقویت سیستم موشکی بالستیک و نقط زن و اتخاذ راهبرد دفاع-تهاجم مبتنی بر امنیت نسبی
- ۳- بومی سازی فناوری تسلیحاتی در تمام حوزه ها و توسعه آن
- ۴- جلب حمایت های بیشتر مردمی برای مقابله با فشارها بخصوص تحریم ها
- ۵- وحدت گروههای سیاسی حول محور منافع ملت ایران اسلامی
- ۶- تلاش جهت تقویت همگرایی منطقه ای
- ۷- حضور فعال در سازمانهای بین المللی
- ۸- ادامه همکاری موثر با کشورهای دارای فناوری هسته ای
- ۹- گسترش قابلیت دفاع برون مرزی
- ۱۰- ایجاد پیمانهای امنیتی منطقه ای
- ۱۱- ایجاد شبکه های تمدنی، دینی، فرهنگی، تاریخی در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای
- ۱۲- بهره برداری از رقابتهای استراتژیک قدرتهای بزرگ
- ۱۳- استفاده مناسب از موقعیت جغرافیایی و محیط گسترده بازدارندگی ایران



- ۱۴- استفاده از فرصتها و ظرفیتهای جهت خروج قانونی از پیمانهای خلع سلاح قبلی و پیوستن به رژیم های جدید مادامی که بازدارندگی تسلیحاتی بدست نیآورده ایم
- ۱۵- دقت در انتخاب و انتصاب مسئولین شجاع و دلسوز به منافع ملی در مسئولیت های مهم بخصوص در حوزه سیاست خارجی.

افزون بر آنچه گفته شد با توجه به پیمان های پیدا و پنهان شکل گرفته منطقه ای و بین المللی (همچون کنسرت اروپایی، پیمان چین، کره شمالی، پیمان آمریکا، اسرائیل، عربستان، ژاپن و ...) جمهوری اسلامی ایران نیز می تواند در قالب کنسرت، ائتلافی متشکل از کشورهای همسو نظیر:

ایران، سوریه، عراق، لبنان (حزب الله) و یمن که در آینده، برخی از کشورها همچون ترکیه، پاکستان و ... نیز به آن اضافه شوند، تشکیل دهند تا قدرت بازدارندگی در محیط امنیتی خود را تقویت کند. در نتیجه از آنجا که آمریکا و غرب در صدد تغییر ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و سازمانی کشورمان می باشند، لذا ضروری است جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به شاخصه ها و مولفه های منحصر به فرد قدرت خود نظیر: (شاخص های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و همچنین در بعد قدرت نرم شامل: اقتدار معنوی، استقلال، عدم تعهد، الهام بخشی، تاریخی، مردمی بودن، هویت ایرانی - اسلامی، وحدت، تجربه دفاع مقدس، روحیه انقلابی و در بعد نظامی انواع موشک ها، نیروهای رزم با کیفیت بالا، ساختار نظامی قوی و ...) برای ایجاد بازدارندگی موثر و طولانی مدت، ساختارهای سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سازمانی خود را تقویت کرده و با استفاده از تنوری رشد بومی، فن آوری مورد نیاز را بدست آورده و با اهداف و نیازهای خود هماهنگ و منطبق کند. در چنین حالتی است که حکمرانی جهانی شده امروز که کالاهای جهانی و سیاسی و سرمایه ای و فرهنگی در شکل های گوناگون به اجبار از گوشه و کنار در قالب رژیم ها تحمیلی مختلف وارد کشور گردیده و موجبات ضرر و زیان یا سود سرشار برای عده ای گردیده و باعث ایجاد اختلاف، نارضایتی و نابرابری داخلی را فراهم آورده و در نهایت ممکن است به شورش، انقلاب یا اتحاد ملی بیانجامد ضروری می نماید با مدیریت

صحیح و ظرفیت سازی قدرتمندانه همه جانبه عواقب ناشی از حکمرانی جهانی را تبدیل به فرصت کرد و نقاط قوت را تقویت و تهدیدها را به حداقل رساند. در غیر این صورت با تن دادن به رژیم های بین المللی تهیه شده توسط قدرتهای بزرگ و عقب نشینی گام به گام از مقابل آنها در آینده چیزی جز ایران ضعیف و تجزیه شده و نوکر قدرتها برای ایرانیان باقی نخواهد ماند.

بخش پنجم: مختصات سیاست دفاعی - موشکی جمهوری اسلامی ایران

بازدارندگی را می توان به مثابه ستون فقرات و کانون محوری سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد. ضرورت بازدارندگی به کرات در اسناد کلان و سیاست های کلی مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله، سند راهبردی چشم انداز ۲۰ ساله است که بند دفاعی آن بر محوریت مفهوم بازدارندگی سامان یافته است و ایجاد سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه را به عنوان هدف راهبردی در حوزه دفاع تعریف کرده است.

بند اول: سیاست دفاعی و توان موشکی

در مناقشات قدرت های سیاسی جهان، توان موشکی یکی از مهم ترین عوامل بازدارنده تهاجم نظامی محسوب میشود و می تواند راهی برای پاسخ به تجاوزگری باشد. تجربه جنگ هشت ساله و صدمات بسیاری که به علت نداشتن موشک های مناسب به کشورمان وارد شد به خوبی این مطلب را تایید می کند. بیشتر کشورهای دنیا همواره تلاش میکنند قدرت موشکی خود را ارتقا دهند. هر ساله صدها پروژه تحقیقاتی صرفا با هدف افزایش توان موشکی در جهان طراحی و اجرا می شود و هیچگاه کشوری به دلیل دارا بودن توانمندی موشکی مورد سوال یا تحریم قرار نمی گیرد. شاید بتوان سه کشور روسیه، آمریکا و چین را از بزرگترین مالکان صنایع موشکی در جهان خواند که بر اساس آمارهای سایت گلوبال بیشرین توانمندی را در پارامترهای نظامی دارند. اگرچه در همین آمارها ایران جزء ده کشور قدرتمند جهان در

۱- به عنوان نمونه ر.ک: بند ۳۲ سیاست های کلی برنامه سوم، بند ۲۴ سیاست های کلی برنامه چهارم، بند ۴۵ سیاست های کلی برنامه پنجم، بند ۵۳ سیاست های کلی برنامه شش، ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم و ماده ۱۹۵ قانون برنامه پنجم.



توانمندی های موشکی است؛ اما باین وجود به نظر میرسد بخشی از ظرفیت های نظامی کشورمان خصوصا در بعد موشکی چندان به مذاق غربی ها خوش نیامده است، به گونه ای که علاوه بر فشارهای سیاسی برای تضعیف این توانمندی ها، از ذکر توانمندی های موشکی کشورمان هم خودداری می کنند. حرکت در جهت ایجاد بازدارندگی همه جانبه و افزایش توانمندی های نظامی و دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران، بدون شک یکی از مهم ترین محورهای راهبرد امنیتی برای مقابله با تهدیدات می باشد. (لیک، ۱۳۸۱: ۶۵) توانمندی های موشکی به عنوان یکی از عناصر اصلی دفاعی در سیاست های راهبردی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین شاکله تامین امنیت ملی کشور بحساب می آید. از طرفی تامین امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران با توجه به پارادایم های حاکم بر مقوله های امنیت ملی نظیر:

➤ وسعت پهناور

➤ جغرافیای طبیعی متفاوت و منحصر به فرد

➤ مرزهای ناهمگون زمینی و دریایی

➤ گروهها و دشمنان حاضر در مجاور مرزهای کشور

از مهمترین مشخصه هایی دانسته می شود که لزوم ایجاد سپر دفاعی و توانایی انجام فعالیت های دفاعی بصورت پدافند را برای تامین امنیت دفاعی - نظامی کشور لازم و ضروری می نماید. در این راستا توسعه ظرفیت های موشکی برای جمهوری اسلامی ایران امری ضروری به حساب می آید. همچنین دست یابی به توانمندی های موشکی مبتنی بر برخی الگوهای خواهد بود که همه کشورها بالاخص جمهوری اسلامی ایران در الگوی بازدارندگی موثر از آن پیروی خواهد نمود. این الگوها عبارت خواهند بود از:

- تهدیدات موشکی از طرف کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای
- برخورداری از ظرفیت های خاص موشکی
- دگرترین سازی مبتنی بر توانمندی های موشکی

- شرایط محیط سیاسی، جغرافیایی و راهبردی کشور
- تامین امنیت توسط برخورداری از توانمندیهای خاص موشکی (نظیر برد، قدرت تخریب، نقطه زنی، حمل مهمات بیشتر و...

بر این اساس می توان گفت « نیروی موشکی ایران، ستون فقرات راهبرد بازدارندگی اش خواهند ماند» (Eisenstadt, ۲۰۱۵: ۱۰) سامانه موشکی ایران، تابع نوع تهدیدات طراحی شده اند. اهداف زمینی، هوایی و دریایی و الزامات آن هدایتگر نوع و کاربرد این سامانه ها بوده است. یکی دیگر از اهداف مهم سامانه های موشکی ایران، پایگاه های نظامی دشمن است. چرا که بسیاری از کشورهای منطقه میزبان پایگاه های نظامی آمریکا و یا نیروی های ناتو هستند. وجود این حجم مراکز نظامی در محیط پیرامونی ایران، ضمن آنکه اهمیت استراتژیک این منطقه را نشان می دهد بیانگر آن خواهد بود که در صورت وقوع جنگ احتمالی بین ایران و آمریکا، لاجرم از این پایگاه ها برای انجام عملیات نظامی علیه ایران استفاده خواهد شد و بدین ترتیب طراحی سیستم های موشکی پر قدرت و با دقت بالا به منظور هدف گیری این مراکز از اولویت های جدی الگوی توسعه موشکی ایران خواهد بود. هدف سوم و راهبردی ایران، افزایش برد موثر و دقت این موشک ها بوده است. برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ بود که با آزمایش موفق موشک شهاب ۳ و در ادامه موشک های عماد و سجیل و دیگر انواع موشک این هدف راهبردی تحقق یافت. (قیصری، ۱۳۹۵: ۶۸)

بند دوم: تاریخچه موشکی ایران

تلاش های ایران برای ساخت موشک های بالستیک با برد زیاد و توپخانه هایی با برد بالا را میتوان به سه دوره زمانی تقسیم کرد. دوره اول بین سال های (۱۹۷۷-۱۹۷۹). دوره دوم در خلال جنگ با دشمن بعثتحوالی سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و دوره سوم بعد از جنگ در سال (۱۹۸۸) به بعد است. از مرحله دوم به بعد ساخت موشک وارد فاز جدیدی شد و ساخت و طراحی موشک ها به تعداد بالا و همزمان با شرایط خاص انجام شد. (می توان عنوان کرد که با توجه به اینکه ایران در خلال جنگ ۸ ساله تاثیر موشک های بالستیک و فناوری موشکی رادرجنگ



و استراتژی دفاعی به خوبی درک کرد و بعد از جنگ به سمت استراتژی دفاع موشکی نامحدود روی آورد. با مروری بر تاریخچه موشکی ایران می توان بیان داشت که پایه گذاری صنایع موشکی ایران به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران باز میگردد. دورانی که محمد رضا پهلوی میلیاردها دلار را صرف خرید انواع تسلیحات از آمریکا و غرب کرد و حتی پروژه های مشترکی را با رژیم صهیونیستی تحت عنوان «پروژه شکوفه» دنبال می کرد. در دوران حکومت محمد رضا پهلوی، ایران و رژیم صهیونیستی برنامه «نفت در قبال تسلیحات» را توسعه بخشیدند. در حین چهارمین جنگ خاورمیانه در سال ۱۹۷۳، اسرائیل، فناوری موشک بالستیک «جریکوا» را داشت تا به ایران در ساخت یک پایگاه تحقیق و توسعه و تولید و آزمایش موشک و همچنین در طرح توسعه موشک های بالستیک میان برد ببرد ۱۵۰۰ کیلومتر کمک کند اما این همکاری زیاد طول نکشید. بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران، اسرائیل خیلی سریع کارشناسان خود را از ایران خارج کرد و برنامه توسعه موشکی ایران نیز متوقف شد. در سال ۱۳۵۸ ایران به دنبال عدم تحویل سلاحهای خریداری شده و حسب نیاز، اولین گامها را در زمینه ساخت و مهندسی معکوس جنگ افزارهای نظامی از جمله آربی جی-۷، بی ام-۲۱ کاتیوشا و موشک دوش پرتاب سام-۷ را آغاز کرد. به دنبال جنگ ایران و عراق و استفاده عراق از حملات موشک بالستیک علیهايران، تهران به اندازه ای متحمل خسارت شد که از جامعه بین الملل درخواست کمک کرد. ایران به مدت ۸ سال رقابت تسلیحات موشکی را با عراق آغاز کرد. موشک های ایران هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت به خوبی موشک های بالستیک عراق نبود. اختلاف بزرگ بین قابلیت موشک بالستیکی دو کشور عراق و ایران، نقش مهمی در استراتژی و سیاست های ایران به وجود آورد و عزم ایران برای آغاز تحقیقات مستقل و توسعه موشک های بالستیک را تقویت کرد. بعد از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و آغاز تحریم های اقتصادی و نظامی، ایران هیچ چاره ای جز تکیه به توانمندیهای داخلی در بخش صنایع نظامی بومی برای تعمیر و ساخت جنگ افزار نداشت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با ورود به این موضوع و بر عهده گرفتن برخطیهای به این کار کمک کرد و پس از مدت ها صنایع دفاعی ایران به صورت رسمی شکل گرفت و دولت وقت ایران سرمایه زیادی را برای

راه‌اندازی صنایع موشکی اختصاص داد و این اقدام منجر به ساخت بسیاری از مهمات مورد نیاز در جنگ تحمیلی شد. در پایان جنگ ایران و عراق، موشک‌های بالستیک ایران به منظور مکان‌یابی حملات موشکی، تأمین امنیت ملی در یک برهه مهم از زمان و همچنین مهار رقبای بالقوه به اجرا در آمد. در طول این دوران، ایران با موفقیت شماری از موشک‌های بالستیک میان‌برد را تولید کرد و در زمینه فناوری چندمرحله‌ای نیروی محرکه و فناوری سوخت جامد، پیشرفت‌هایی را به دست آورد. (شهبازی، ۱۳۹۶: ۳۵۲) ایران هم اکنون بعد از یک تلاش ۲۰ ساله، قدرتمندترین زرادخانه موشکی خاورمیانه را دارد، مجموع انواع موشک‌های فعال این کشور بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ فروند است. حتی ژنرال‌های آمریکایی در حوزه فرماندهی مرکزی آمریکا مجبور به اعتراف شدند که شمار تسلیحات بالستیک ایران بسیار زیاد است و این قابلیت را دارد تا در میدان‌های نبرد یک تهدید نظامی واقعی باشد. در ادامه به بررسی و معرفی مهم‌ترین موشک‌های جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. و مروری بر روند ساخت موشک‌های بالستیک از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ خواهیم داشت.

بند سوم: موشک‌های بالستیک

موشک بالستیک به موشک‌هایی می‌گویند که تا ارتفاع بسیار بالایی اوج می‌گیرند (که این قسمت راه باموتور روشن انجام می‌شود) و مابقی راه را با استفاده از نیروی جاذبه زمین به سمت هدف می‌روند که مانند یک سقوط آزاد البته با هدایت صحیح است. موشک‌های بالستیک معمولاً ارتفاع بسیار بالایی می‌گیرند و برخی از موشک‌های بالستیک که برد بسیار بالایی دارند حتی از جو زمین نیز خارج می‌شوند و با استفاده از ماشین ورود مجدد (RV) به جو بازمی‌گردند. موشک بالستیک به خودی خود یک سلاح کشتار جمعی محسوب نمی‌شود ولی می‌تواند مقدار زیادی از انواع سلاح‌های کشتار جمعی را حمل کند و به عنوان یک منبع نگرانی برای کشورها به حساب می‌آید. یک موشک بالستیک در حقیقت یک ماشین تحویل موشک-مولد شامل سیستم رهیابی و محافظه حمل مهمات است که اساساً علیه اهداف زمینی و سطحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. انواع گوناگون موشک‌های بالستیک بر حسب برد طبقه‌بندی می‌شوند که نوع خاص از آنها از زیر دریایی‌ها شلیک می‌شود. امروزه موشک‌های بالستیک در دو



زمینه متعارف و اتمی کاربرد دارد. بخشی از این موشکها تنها در نقش اتمی استفاده می‌شود بخشی نیز در نقش موشکهای متعارف که بخش عمده ای از این دسته از موشک بالستیک در نقش سلاح توپخانه ای دور برد تاکتیکی معمولاً با برد زیر ۳۰۰ کیلومتر استفاده می‌شود.

نتیجه گیری

بر اساس مولفه های قدرت، توان موشکی به عنوان یکی از مهم ترین عامل بازدارنده تهاجم نظامی قرار دارد از این رو دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف راهبردی، مبتنی بر دو اصل مهم: « تولید ابزار قدرت» برای بازدارندگی و «دفاع موثر» است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران پیوسته از سوی نیروهای فرامنطقه ای و منطقه ای تهدید شده است و این تهدیدها نه فقط کاسته نشده بلکه افزونتر و متنوع تر شده است. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دکترین دفاعی خود پروژه های موثری را متناسب با تهدیدات طراحی و اجرا کرده است. از منظر حقوق بین الملل قدم اصلی در زمینه محدودیت وارده بر تسلیحات متعارف با انعقاد کنوانسیون برخی سلاح های متعارف ۱۹۸۰ و پروتکل های الحاقی به آن برداشته شد. ستون فقرات همه پروتکل و بندها و تبصره های تقسیم و تفکیک سلاح های متعارف به ممنوعه بودنشان حول محور دو اصل می باشد: « امنیت و سلامت غیر نظامیان (افراد عادی؛ کسانی که نمی خواهند بکنگند، اسرای جنگی) یا همان اصل تفکیک حفظ کرامت و حرمت حقوق بشر بعنوان یک انسان (حتی نظامیان با هر افکاری) در کمترین زجر کشیدن و به اشکال متوحشانه و نامناسب بقتل نرسیدن (اصل تناسب و ضرورت). فن آوری نظامی از عوامل تاثیرگذار بر روابط بین الملل و بالطبع استراتژی کشورها است به گونه ای که امروزه گاه از آن به عنوان «رهبری استراتژی» یاد می شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که جنگ افزارهای مدرن حاصل از تحول، ابتکار، پیشرفت در آن فن آوری ها، شدت و گسترده و بافت منازعات را دگرگون کرده اند. از جمله جنگ افزایشی که به ویژه در دهه اخیر، ورود آنها به زرادخانه های نظامی، استراتژی های نظامی و بالطبع منازعات را متأثر ساخته، موشک های بالستیک هستند. این تسلیحات که با عبارتی چون « سلاح وحشت»، «نیروی هوایی فقرا» و یا «سیاست بالستیک» از آنها یاد می شود، بیش از پیش مورد توجه

کشورهای جهان سوم واقع شده اند. تا دهه ۱۹۸۰ میلادی جلوگیری از تکثیر سلاح های هسته ای ، عمده ترین موضوع در دستور کار قدرتهای بزرگ در زمینه کنترل تسلیحات بود. اما از اواسط دهه، توجهات بین المللی به دستیابی کشورهای جهان سوم به سیستم های پرتاب جنگ افزارهای انهدام جمعی جلب شد و نگرانی هایی در مورد گسترش سیستم ها و فن آوری های موشک بالستیک به مناطق متشنج و بحران خیزی چون خاورمیانه ایجاد گردید. تصور بر این است که موشک های بالستیک در جهان سوم، می تواند قابلیت مبادرت به حملات هسته ای و شیمیایی علیه رقبای سنتی و یا دفاع در مقابل نیروهای مداخله گر غربی را برای این کشورها فراهم کند. از این رو می توان گفت که موشک های بالستیک به موضوعی استراتژیک برای جامعه بین المللی مبدل شده اند و منطقه خاورمیانه با توجه به تجربه ای که در خرید، تولید و به کارگیری این موشک ها وجود دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است .

منابع و مأخذ

ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۹۰) مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

اسنایدر، کریگ (۱۳۸۴) امنیت و استراتژی معاصر، مترجم: حسین محمدی، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ام.الیوت، جفری؛ و رجینالد، رابرت (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک، ترجمه‌ی میرحسین رئیس‌زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱) امنیت در قرن بیست و یکم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ایکنبری، جان (۱۳۸۲) تنها بر قدرت: هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران: ابرار معاصر.

آلیسون، گراهام (۱۳۹۳) شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.

پروژه و همکاران، تهران: ابرار معاصر.

بیلیس، جان و همکاران (۲۰۰۰) استراتژی در جهان معاصر، مترجم کابک خبیری، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

پیرس و رابینسون (۱۳۹۳) برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران، انتشارات یادواره کتاب.

جمیز دوئرتی، رابرت فالتر (۱۳۸۴) نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، علیرضا طیب، تهران: قومس.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۹) تحولات روابط بین‌الملل، تهران: قومس.

آدمی، علی (۱۳۹۳) قابلیت بازدارندگی هسته ای ایران از چشم انداز نو واقع گرایی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱.

بختیاری، علی (۱۳۸۹) انقلاب در امور نظامی و کشورها در حال توسعه، تهران: فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۱۷.

۲۳۹



